

سلامی

۴۸۹۱۲

۱۳۸۲ / ۱ / ۳۰



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

غرب در گفتمان اسلامگراها (مطالعه موردی ایران)

نگارش:

علی اکبر بهرامی

استاد راهنما:

دکتر احمد موثقی

استاد مشاور:

دکتر مصطفی ملکوتیان

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

سال تحصیلی آذر ۱۳۸۱

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۴۵۹۱۲



فرم ارزیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: علوم سیاسی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقطع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

آقای: **علی اکبر بهرامی** به شماره دانشجویی: **۲۱۰۱۷۹۰۰۱** در رشته: **علوم سیاسی**
 گرایش: **علوم سیاسی** پایان نامه خود به ارزش: **۴** واحد را که در نیمسال اول سال تحصیلی: **۸۰-۸۱-۱** دوم
 اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: **غرب در گفتار اسلامگراها مطالعه موردی ایران**
داور

به سرپرستی (استاد راهنما): **دکتر موثقی** استاد مشاور: **دکتر ملکوتیان** استاد **دورم** (حسب مورد): **دکتر فیرجی**
 در تاریخ: **۸۱/۹/۱۱** در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موفقیت / عدم موفقیت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	رتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر احمد موثقی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر مصطفی ملکوتیان	استادیار	" " "	
۳- استاد داور: دکتر داود فیرجی	استادیار	" " "	
۴- استاد داور:			
۵- استاد داور یا استاد مشاور دورم			

نمره نهایی هیأت داوران: **۱۷/۵** به عدد
هفده و پنج به حرف

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی متذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: **دکتر حمید احمدی** امضاء و تاریخ:
۸۱/۱۲/۱۱

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.
 تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

۴:

خسرو، محمد و محمدجعفر که اگر نمی‌دانستند، می‌فهمیدند.

۵ و ۴:

جلال آل احمد که نخواست عناوین بی‌شمای "علامی" و
"دکتري" بر ندانسته هایش سرپوشی باشد.

چکیده فارسی:

در این رساله متغیر اروپامداری بعنوان یکی از عوامل پیدایش و یا گسترش روحیه غربزدگی و غربستیزی مورد بررسی قرار گرفته است، مطابق فرضیه این رساله اروپامداری بعنوان تلاش غرب برای مرکزیت بخشیدن به ارزشها، هنجارها، فرهنگ، و تمدن غرب به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم به غربزدگی دامن زده است. روش مستقیم عبارت بوده از حضور بلاواسطه غرب در جهان سوم بصورت نیروهای استعماری. در این روش استعمارگران علاوه بر چشمداشت به منافع اقتصادی، رسالت تمدن بخشی به انسانها و جوامع غیرمتمدن جهان سومی را نیز برای خود قائل بوده‌اند. این وجه از اروپامداری در اواسط قرن بیستم با پیدایش جنبش‌های آزادیبخش در کشورهای مستعمره رو به افول نهاد، ضمن آنکه احساسات ضدغربی قوی را در بین ملل مستعمره و بخصوص در بین روشنفکران جهان سومی ضد غربی قومی را در بین ملل مسعمره و بخصوص در بین روشنفکران جهان سومی ایجاد کرد.

شیوه غیرمستقیم اروپامداری، شیوه‌ای بود که به توسط رهبران، نخبگان و برخی از روشنفکران کشورهای توسعه نیافته بر پایه برتری طرح غربی و تلاش برای رسیدن به چنان‌الگویی اتخاذ گردید. به عبارت دیگر اجماعی در بین سیاستمداران و روشنفکران کشورهای عقب مانده جهت اقتباس طرح غربی و پیاده کردن آن در کشورهای خود به وجود آمده بود، نکته‌ای که این سیاستمداران و روشنفکران از آن غافل بودند این بود که طرح غربی مستخص و برآمده از نیازهای آن جوامع بود، ضمن آنکه فرهنگ خاص خود را نیز می‌طلبید و از بسیاری جهات با ارزشها، فرهنگها، و سنت‌های جوامع جهان سومی مغایر بود. بنابراین بجای آنکه مدرنیسم وارد این کشورها شود تنها چهره‌ای مخدوش از آن وارد شد، چیزی که ما آن را شبه مدرنیسم می‌نامیم. دولت پهلویستی نمونه‌ای از چنین مدرنیسمی بود که تا اواخر دهه هفتاد

میلادی بر ایران مسلط بود ناکارآمدی و ناتوانی الگوی شبه مدرنیستی مخالفان زیادی را در بین طیف گسترده‌ای از چپ‌ها و ملی‌گراها گرفته تا اسلام‌گراها ایجاد کرد و در نهایت در غیاب جانشین توانمندی برای آن و در شرایطی که الگوی چپ‌ها و ملی‌گراها هم موفقیت چندانی به دست نیاورده بود، اسلام‌گراها قویترین پاسخ را به آن دارند. آنان به جای مدرنیته غربی و طرح غربی، اسلام را که سالها بعنوان یک دال برتر در جوامع اسلامی و ایران عمل کرده بود، نشاندهند. به این ترتیب، اسلام‌گراها به عنوان مهمترین مخالفان دولت پهلویستی و به تبع آن غرب در آمدند، این رساله‌کوششی بود برای اثبات این فرضیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱	تعریف مسأله.....
۲	ادبیات سیاسی موضوع مورد پژوهش.....
۳	سوالات پژوهش.....
۴	فرضیه.....
۵	متغیر وابسته.....
۵	متغیر مستقل.....
۵	فرضیه رقیب.....
۵	مفروضات.....
۶	هدف طرح پژوهش.....
۶	پیامدهای اثبات طرح.....
۶	روش‌های اجرایی طرح.....
۷	چارچوب طرح پژوهشی.....
فصل اول - مفاهیم و تعاریف	
۹	گفتار اول - غرب و چیستی آن.....
۹	الف) ترمینولوژی غرب.....
۱۳	ب) غرب ایرانی؛ یا (غرب در فرهنگ سیاسی ایران).....
۲۳	غرب زدگی و غرب ستیزی.....
۲۷	گفتار دوم: از اروپامداری تا غربی سازی.....
۲۸	الف) اروپامداری؛.....

۳۷	جهانی شدن؛
۳۷	الگوی جدید اروپامداری.....
۴۱	جهانی شدن فرهنگ و تنازعها
۴۳	جهانی شدن فرهنگ آمریکا.....
۴۵	غربی سازی؛ الگوی داخلی شده اروپامداری.....
۴۷	کمالیسم.....
۵۰	پهلویسم.....
۵۲	تجدد.....
۵۵	گفتار سوم: اسلام‌گرایی؛ جنبش یا بازخیری.....
۵۶	الف) بنیادگرایی اسلامی.....
۵۹	۱) بنیادگرایی اسلامی (سنی).....
۶۱	۲) بنیادگرایی در جهان شیعی (ایران).....
۶۳	ب) رادیکالیسم اسلامی.....
۶۴	ج) اسلام سیاسی و خمینیسم.....
۶۷	خمینیسم: (Khomeinism).....
۷۲	نتیجه‌گیری.....
	فصل دوم - شکل‌گیری گفتمان پهلویسم؛ مدرنیسم و شبه مدرنیسم
۷۵	گفتار اول: انحطاط قاجار؛ پایه‌ها و زمینه‌های پهلویسم.....
۷۶	۱) نوسازی یا مدرانیزاسیون.....
۸۶	۲) ناسیونالیسم ایرانی و شوونیسم.....
۸۸	۳) لائیسیم یا سکولاریسم.....
۸۹	۴) تقلیدی بودن.....
۹۲	گفتار دوم: عصر رضاخانی یا پهلویسم عریان: (۱۳۲۰ تا ۱۳۰۳).....
۹۴	رضا خان که بود؟.....

۹۸	۱) نوسازی و مدرانیزاسیون
۱۰۱	۲) ناسیونالیسم
۱۰۳	۳) لائیسم
۱۰۷	۴) تقلید از غرب
۱۰۹	ب) جمهوری خواهی، پوپولیسم و دولت گرایی
۱۱۱	ج) بحران پهلویسم و شبه مدرنیسم: (۱۳۲۰-۱۳۰۳)
۱۱۳	مدرنیسم رضاخان و ناکارآمدیهای آن
۱۱۸	کشف حجاب و پیامدهای آن
۱۲۲	گفتار سوم: پهلویسم در دوره سوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰)
۱۲۴	الف) نوسازی
۱۲۹	ناسیونالیسم
۱۳۰	لائیسم
۱۳۲	تقلیدی از غرب
۱۳۳	بحرانهای پهلویسم در دوره سوم
۱۳۸	نتیجه گیری
فصل سوم- غرب از حضور تا سقوط؛ واکنشها و بدیلها	
۱۴۱	گفتار اول: حضور عینی و تاریخی غرب و مسأله دست نشاندگی
۱۵۸	گفتار دوم: واکنشها نسبت به حضور غرب
۱۵۸	الف) دست نشاندگی
۱۶۳	ب) ناسیونالیسم و گرایشات میهنی: (بومی گرایی)
۱۶۹	ج) غرب ستیزی و جریانات چپ در ایران
۱۸۳	د) خیزشهای رادیکال اسلامی
۱۹۴	گفتار سوم: اسلام گرایی
۱۹۴	شرایط ظهور و هژمونی

گفتار چهارم: غرب ستیزی تصویری تاریخی ۲۰۴

مروری بر گفتمان غرب ستیز در ایران ۲۱۹

فصل چهارم - مروری بر گفتمان غرب ستیز در ایران

مشروطه نزاع بر سر نهادهای غربی ۲۲۷

سید جمال‌الدین اسدآبادی: ۲۳۸

آیت الله مدرس: ۲۴۳

آیت الله ابوالقاسم کاشانی ۲۴۷

آیت اله خمینی ۲۵۶

جلال آل احمد ۲۶۰

علی شریعتی ۲۶۸

نتیجه گیری فصل ۲۶۸

نتیجه گیری کلی ۲۷۰

منابع و مأخذ ۲۷۳

مقدمه

تعریف مسأله:

هنگامی که در خرداد ماه سال جاری (۱۳۸۱ ه.ش) دادگستری تهران با صدور اطلاعیه‌ای هرگونه تبلیغ و اطلاع رسانی جانب دارانه از مذاکره با آمریکا را منع و جرم محسوب کرد،^(۱) این امر تعجب چندان زیادی را برنیا نگیخت، حتی زمانی که به فاصله چند ماه پیش از آن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عنوان قدیمی ترین و منسجم ترین حزب سیاسی چپ در ایران پس از انقلاب از حمله ایالات متحده به افغانستان اعلام انزجار نموده و خواستار همدردی با یک دولت مسلمان (طالبان) شد،^(۲) این مورد نیز در محافل سیاسی زیاد تعجب برانگیز نبود. همه اینها حلقه‌هایی از سلسله مخالفت و ستیزش با غرب و ایالات متحده بود که قبلاً بارها و بارها، در جریان جنگ تحمیلی در ماجرای مک‌فارلین، در قضیه گروگان‌گیری، در شعارهای نه شرقی و نه غربی انقلابیون و حتی سالها پیش از آن در مخالفت با انگلیسها، روسها و... تجربه شده بود.

پژوهش حاضر کوششی است برای درک این پدیده رایج در اذهان و کردار سیاسی ما ایرانیان، کوششی است برای تحلیل و تعلیل ریشه‌های خصومت با انگلیس، انزجار از روسیه و شوروی، نفرت از ایالات متحده و درکل ریشه‌های ستیزش با غرب. به این پدیده در سطح ملی می‌شود از دو سطح تحلیل نگریست. در سطح تحلیل کلان می‌توان ریشه‌های ستیزش با غرب را در بین همه گروههای سیاسی و مجامع فکری ایران بررسی کرد که در این صورت گروههایی نظیر: گروههای اسلام‌گرا، گروهها و احزاب چپ سوسیالیستی، چپ‌گرایان اسلامی، ناسیونالیستها و حتی گروههای راست حاکم، (برای مثال در مقاطعی سردمداران رژیم پهلوی) و غیره بررسی می‌شوند. همه این گروهها در

۱. در پنج خرداد ۱۳۸۱ دادگستری تهران با صدور بی‌انیه‌ای هرگونه تبلیغ و اطلاع سانی جامع دارانه پیرامون مذاکره با آمریکا را مطابق با قانون مطبوعات و با توجه به منع مذاکره با آمریکا از سوی مقام عظم رهبری جرم محسوب نمود، (ر.ک روزنامه ایران، یکشنبه ۵ خرداد، ۱۳۸۱).

۲. ر.ک، عصر ما، ۱۹ آبان ۱۳۸۱.

شکل‌گیری گفتمان غرب ستیزی در ایران نقش ایفا کردند و بخصوص گروه‌های چپ که نقششان غیرقابل انکار است. اما در سطح تحلیل خرد که بنا به اقتضای عنوان این پایان نامه مورد نظر نگارنده نیز بوده است، به تحلیل این پدیده (غرب ستیزی) از دیدگاه اسلام‌گرایان ایرانی پرداخته می‌شود و پر واضح است که اگر در این پژوهش مکرراً از اسلام‌گراها نام می‌بریم به معنی نفی نقش سایر گروه‌ها نیست، اگر چه در فصول آتی به نقش این گروه‌ها نیز به عنوان متغیرهای دخیل نگاهی انداخته خواهد شد.

ادبیات سیاسی موضوع مورد پژوهش:

اساساً نظریه‌ها و فرضیاتی که در باب مسئله غرب ستیزی مطرح شده‌اند از قدمت چندانی برخوردار نیستند. به علاوه این نظریه‌ها چندان متنوع و متکثراند که جمع‌بندی یا گرد هم آوردن دسته‌ای از آنها در قالب یک کلیت چندان کار درست و علمی‌ای نمی‌تواند باشد. طیفی از نظریه‌ها از چپ گرفته تا نظریه‌های اسلام‌گرایی، با این حال شاید بشود این نظریه‌ها را در چهار زمینه کلی - و البته با اغماض و مسامحه - دسته‌بندی کرد:

اول نظریه‌های چپ سوسیالیستی که مطابق نگرش قطبی و ایدئولوژیک خود جهان را به دو اردوگاه مشرق و غرب تقسیم کرده و یکی از اهداف یا بزرگترین آرمان خود را نابودی جهان سرمایه‌داری یا غرب می‌دانند. در ایران هم حامیان این نظریه در گذشته کم نبوده‌اند. مفهوم بلوک غرب ابتدائاً مفهومی برگرفته و برآمده از ادبیات سیاسی چپ بوده است.^(۱)

دسته دوم از نظریه‌ها، نظریه‌های جهان‌سومی هستند که این نظریه‌ها ترکیبی از فرضیات سوسیالیستی و احساسات ناسیونالیستی بوده و بخصوص همراه و همقدم به دوران استعمارزدایی شده و از این دیدگاه به مقابله با غرب برخاسته‌اند.^(۲)

۱. ن.ک. به:

۱. Charles Reynolds, *modes of Imperialism.*, (New York: Martin, s Press 1981).

۲. برای مثال ن.ک. الهی، همایون. *امپریالیسم و عقب ماندگی* (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۵)، یان.ک. به آل احمد، جلال،

دسته سوم از نظریه‌ها، نظریه‌هایی هستند که بابی سعید از آنها تحت عنوان نظریات ذات‌گرای فرهنگی و هانتر از آنها تعبیر به شرق شناسان جدید می‌کند. این نظریه‌ها ریشه‌های برخورد و ستیزش با غرب را در ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و تمدنی یا دینی و مذهبی جستجو می‌کند.^(۱) پیروان این مکاتب چه در ایران و چه در خارج از آن کم نیستند. بیشتر آنهایی که ستیزش با غرب را به عنوان مثال در خاورمیانه یا ایران ناشی از اسلام و ارزشهای ذاتی اسلامی می‌دانند و بنابراین آن را مطلق می‌پندارند در این دسته جای می‌گیرند.^(۲)

و دسته چهارم از این نظریه‌ها ضمن پذیرش بعضی ناسازگاریها بین الگوهای فرهنگی از مطلق کردن آن می‌پرهیزند و در عوض کانون توجه خود را بر شرایط تاریخی و سیاسی پیدایش چنین ستیزش‌هایی ما بین کشورهای اسلامی یا ایران و غرب قرار می‌دهند. به عنوان مثال - اروپامداری، استعمار، یا شرایط داخلی ناشی از اروپامداری، نظیر ایجاد دولت‌های کمالیستی در کشورهای منطقه و اسلامی که به عنوان عوامل اصلی تضاد با غرب انگاشته می‌شود.^(۳)

سؤالات پژوهش:

الف) سؤال اصلی

«عامل اصلی ایجاد و تشدید روحیه غرب ستیزی در میان اسلام‌گرایان ایرانی چه

غربزدگی (تهران: انتشارات رواق)، ۱۳۴۱.

۱. هانتر، شیرین، *آینده اسلام و غرب*، ترجمه همایون مجد (تهران: نشر فرزاد، ۱۳۸۱)، ص ۸۴.

۲. ن.ک:

Huntington, Samuel P. *the clash of civilizations* foreign Affairs (Summed 1993).

و یا به:

Maryam , Jamilah, *Islam versus the west*, m.U.khan. lahur, 1997.

۳. برای مثال ن.ک: بابی سعید، *هراس بنیادین؛ اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و

موسی عنبری (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹).

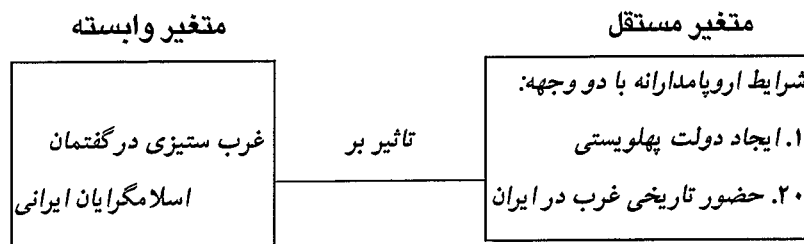
بوده است؟ یا ریشه اصلی غرب ستیزی در گفتمان اسلام‌گرایان ایرانی چه می‌تواند باشد؟»

ب) سؤالات فرعی

چه میزان از این غرب ستیزی ناشی از ارزشهای ذاتی اسلامی است و چه میزان تحت تأثیر شرایط و متغیرهای دیگر ایجاد می‌شود؟ اگر مسأله اسلام و «خطر اسلام‌گرایی است» بالطبع این روند باید روندی دیرینه باشد؛ آیا برآستی چنین است؟ اگر غرب و اسلام‌گرایی را دو پدیده مدرن فرض کنیم در آن صورت روند ستیزش بین آنها از چه مقطعی آغاز و یا تشدید شده است؟ آیا اساساً خطری به اسم «غرب» برای جوامع اسلامی و ایران وجود داشته است یا اینکه ما با «پنداری» از طرح غرب مواجه بوده‌ایم؟ سوای این امر اسلام‌گراها در برخورد با غرب کدام وجه یا وجوه آن را به عنوان خطر تلقی کرده‌اند، که به نفی و انکار و مخالفت با آن پرداخته‌اند؟ اسلام‌گرایان ایرانی چه تلقی و چه برداشتی از غرب داشته یا دارند؟ آیا همه آنها از یک طیف، یک جریان و یک جناح سیاسی بوده‌اند یا بنا به انگیزش‌های فکری متفاوت یا منافع مختلف خود از در ستیزش با غرب در آمده‌اند؟

فرضیه

فرضیه ارائه شده در این پژوهش عبارت خواهد بود از اینکه: «شرایط اروپامدارانه با تأکید بر دو وجه حضور تاریخی غرب و ایجاد دولت پهلویستی از طریق احیاء فعال‌گرایی اسلامی و سیاسی ساختن اسلام، غرب ستیزی را در گفتمان اسلام‌گرایان ایرانی دامن زده‌اند.»



متغیر وابسته

مطابق نمودار فوق متغیر وابسته فرضیه ارائه شده عبارت است از: «غرب ستیزی در گفتمان اسلامگرایان ایرانی» که طی پژوهش حاضر به آزمایش و اثبات آن خواهیم پرداخت.

متغیر مستقل:

«شرایط اروپامدارانه با تکیه بر دو وجهه آن یعنی: ایجاد دولت پهلویستی و حضور تاریخ غرب» متغیر مستقل این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

فرضیه رقیب:

فرضیه رقیب ما در این پژوهش چنین خواهد بود:
«علت تقابل اسلامگرایان با غرب در ارزشهای ذاتگرایانه فرهنگی تمدن اسلامی با تمدن غربی و مدرن نهفته است.»

مفروضات:

۱. ارزشها و هنجارهای فرهنگی و تمدنی در مواجهه با ارزشها و هنجارهای تمدنی دیگر بالقوه غیرفعال هستند، مگر اینکه:
۲. از طریق غیریت‌سازی و نفی و انکار سایر الگوهای تمدنی یا نفی و انکار از جانب دیگران مجدداً فعال شوند و لذا؛